



«معاون بهداشت البرز» تأکید کرد؛

عبور مسیر تحقق عدالت

در سلامت از طرح

پزشک خانواده

روزنامه مستقل

دنیای هوادار

www.donyayehavadar.ir

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

سه شنبه ۲۲ تیر ماه ۱۴۰۲

شماره ۱۸۵۲

«دنیای هوادار» از تاب‌آوری پایین زیرساخت‌های سلامت کشور در برابر بحران‌ها می‌گوید؛

ویروس فرسودگی بیخ گوش نظام سلامت

یاد و خاطر شهدای گرانقدر جنگ تحمیلی

۱۲ روزه رژیم جعلی بویژه «**رمضان علی**

چوبداری» گرامی باد



خبر اول

حواشی قطعی های مقطعی آب شرب؛

شهرداری گرمدره پاسخ داد

در شرایطی که کشور با یکی از پیچیده ترین دوره های تنش آبی و خشکسالی مواجه است، استان البرز نیز به عنوان یکی از پرجمعیت ترین مناطق حاشیه البرز مرکزی با چالش های جدی در تأمین پایدار آب شرب روبه روست. شهر گرمدره به طور خاص در سال های اخیر با افت فشار، قطعی های مکرر و نارضایتی شهروندان مواجه بوده است.

پروژه انتقال مستقیم آب از سد امیرکبیر کرج به شهر گرمدره، یکی از اقدامات زیرساختی مهم برای عبور از بحران و ارتقای شبکه آبی شهر محسوب می شود. شهرداری گرمدره نیز با وجود عدم وجود مسئولیت مستقیم و قانونی در این رابطه و صرفاً جهت تسهیل در رفع مشکل چند دهه شهر گرمدره از ابتدای سال ۱۴۰۲، با پیگیری و حمایت شورای تأمین استان البرز و استاندار محترم، مجتبی عبداللّهی کار را آغاز نمود. این پروژه که پیش تر هیچگونه سابقه ای از پیگیری و حداقل اقدامی در سنوات قبل نداشته است، با مدیریت دکترمسعود نجفی شهردار گرمدره و همکاری شرکت آب و فاضلاب استان البرز در سال ۱۴۰۳ به بهره برداری رسید و اکنون بخش قابل توجهی از آب شرب شهر از این مسیر تأمین می شود.

شهرداری گرمدره در این طرح، مسئولیت اخذ مجوزها، جانمایی، حفاری مسیر و تأمین زیرساخت های محلی را برعهده داشته و طراحی فنی و بهره برداری توسط شرکت آبفا استان البرز انجام شده است.

طی روزهای اخیر و همزمان با راه اندازی اولیه شبکه جدید، برخی نقاط شهر در ساعات اوج مصرف با نوسانات فشار و قطعی های مقطعی مواجه بوده اند. به گفته رئیس شرکت آب و فاضلاب شهر گرمدره، این اختلالات ناشی از دوره تنظیم فشار اولیه شبکه جدید بوده و در حیطه مسئولیت فنی آبفا قرار دارد. کارشناسان تخصصی به صورت شبانه روزی در حال پایش و تثبیت شبکه هستند.

شهرداری گرمدره با تأکید بر نقش خود در آغاز و تسهیل مسیر حل بحران اعلام کرد: «مدیریت شهری، عامل بروز بحران نبوده، بلکه پیشگام عبور از آن است. انتشار اخبار غیرمستند در فضای مجازی نهنها موجب تشویش افکار عمومی می شود، بلکه مانعی در مسیر همکاری و اعتمادسازی خواهد بود. مسیر حل مسئله از دل شفاف سازی، گفت و گو و هم افزایی می گذرد. در همین راستا، اقداماتی نظیر تسهیل در صدور مجوز حفاری های جدید، پوشش مناطق فاقد آب از طریق چاه های فعلی، و مدیریت سهمیه تخصیص یافته از سد کرج در دستور کار شهرداری قرار گرفته است.»

رئیس جمهور آلمان: از سرگیری مذاکرات تهران-واشنگتن ضروری است

«فرانک والتر اشتاینمایر» رئیس جمهور آلمان - در گفت و گویی همتای آمریکایی خود را با خروج یک جانبه از توافق هسته ای مقصر تشدید تنش های هسته ای با ایران دانسته و بر ضرورت از سرگیری مذاکرات غیرمستقیم تهران-واشنگتن برای حل و فصل این بحران تأکید کرد. وی گفت: در آن زمان، ایران فاصله زیادی با قابلیت های خطرناک امروزی داشت و خروج ترامپ از برجام راه را برای افزایش جاه طلبی های هسته ای ایران هموار کرد. رئیس جمهور آلمان درباره حملات متجاوزانه به تاسیسات اتمی ایران هشدار داده که چنین عملیاتی را نمی توان هر چند سال یکبار تکرار کرد، بلکه «ضروری است که طرفین وارد گفت و گوهایی سیاسی شوند».

سه شنبه ۲۴ تیر ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۵۲

دنیای سوادار

رویداد

حرف اول

روایت یک سال عبور از طوفان های سیاسی و اقتصادی؛

رئیس جمهور روزهای سخت



مهرداد تیموری

سالی که گذشت، آسان نبود. کشوری با زخم های قدیمی، فشارهای خارجی، بحران های درهم تنیده و اعتماد اجتماعی آسیب دیده، در آستانه تصمیمی تازه ایستاد. و مردم، با رأیی معنادار، مسعود پزشکیان را برگزیدند؛ چهره ای آرام، اما مصمم، که نه با وعده های هیجانی، بلکه با وعده «وفاق» آمد. حالا، پس از یک سال، می توان ایستاد و نگاهی انداخت به این راه پر سنگلاخ که دولت چهاردهم پیمود؛ راهی که با بحران شروع شد، اما با عقلانیت و مشارکت، از بی راهه نگذشت.

پزشکیان در همان روزهای نخست ریاست جمهوری با بحرانی کم سابقه روبه رو شد: ترور اسماعیل هنیه در تهران، تنها ساعاتی پس از مراسم تحلیف، و بلافاصله، آغاز جنگ ۱۲ روزه رژیم جعلی و کودک کش علیه ایران. بحرانی که می توانست کشور را به لبه هرج و مرج بکشاند، اما به جای شعله ور شدن التهاب، آنچه رقم خورد، نوعی همکاری مدنی، مدیریت کم هزینه، و همراهی هوشمندانه بود.

در این میان، نقش دولت، به ویژه شخص رئیس جمهور، نه در تکرار وعده ها بلکه در اتخاذ رویکردی مبتنی بر هفکری و انکار نکردن واقعیت ها نمود پیدا کرد. پزشکیان نه دنبال دشمن سازی رفت، نه پشت بحران ها پنهان شد. او همانطور که پیش تر نیز در مسئولیت هایش نشان داده بود- به گفت و گو و عقلانیت پناه برد. نه از سر مصلحت جویی سیاسی، که از دل تجربه زیسته.

در ایامی که کشور زیر آتش جنگ روانی و فشار رسانه ای قرار داشت، نشانه های عینی از فروپاشی مدیریت دیده نشد. محمدرضا عارف، معاون اول دولت، به درستی به

این موضوع اشاره کرد: از همان ابتدا، جلسات مشترک ستاد تنظیم بازار با نهادهای نظارتی تشکیل شد تا با پرهیز از دوباره کاری و موازی کاری، مسئله ای مثل کمبود کالا به بحران اجتماعی بدل نشود. و نشد.

هیئت های نظارتی نه در نقش مأموران سرکوب، بلکه در جایگاه ناظران همراه عمل کردند؛ تخلف اگر بود، برخورد می شد، اما رویکرد اصلی، «حل مسئله» بود نه نمایشی از قدرت. این یعنی فاصله گیری از نگاه تنبیهی خشک، و نزدیک شدن به مدل های مدرن حکمرانی مشارکتی. برخی مصداق های این نگاه، حتی ساده و به ظاهر پیش پا افتاده اند، اما تأثیرشان عظیم است. در ماجرای کمبود مرغ در یکی از استان های مهمان پذیر، واکنش دولت فوری و جبران کننده بود. در بحران احتمالی نان، دولت با افزایش سهمیه آرد و فعالیت ۲۴ ساعته نانوائی ها، عملاً بحران را در نطفه خنثی کرد. همین طور در موضوع بنزین، که تنها در روز اول جنگ، صف تشکیل شد و سپس با افزایش تولید داخلی از ۱۱۰ به ۱۲۰ میلیون لیتر، و واردات موقت، تقاضا مدیریت شد.

پزشکیان، برخلاف بسیاری از مدیران دهه های

گذشته، نشان داد که بحران لزوماً به معنای استیصال نیست. اگر نگاه مسئولانه، برنامه ریزی منعطف، و اعتماد به مردم در دستور کار باشد، حتی شدیدترین بحران ها هم می توانند بدون آشوب عبور داده شوند. در میانه چنین تلاطم هایی، آنچه دولت چهاردهم را از دولت های پیشین متمایز می کند، انکایش به «وفاق ملی» است؛ مفهومی که پزشکیان آن را نه شعار، بلکه سیاست اجرایی قرار داد. به جای دوگانه سازی مردم، به جای بازتولید مفهوم «خودی و غیرخودی»، به جای شعارهای ایدئولوژیک بی ثمر، رئیس جمهور بر مشارکت فراگیر تأکید کرد. این وفاق، البته نه تنها محصول رفتار دولت، که ثمره صبر مردم و همراهی شان در سخت ترین روزها نیز بود. مردمی که با وجود گلیه ها، مطالبه ها و زخم های کهنه، ترجیح دادند در روزهای جنگ، صف را ترک نکنند و ایران را تنها نگذارند.

حالا که یک سال گذشته، شاید وقت آن باشد که از مدل حکمرانی پزشکیان نه فقط در مقام ستایش، بلکه در مقام پیشنهاد برای نظام سیاست گذاری یاد کنیم: حکمرانی با کمترین حاشیه، بیشترین گفتگو، و بیشترین بهره برداری از عقل جمعی.

«معاون بهداشت البرز» تأکید کرد؛ عبور مسیر تحقق عدالت در سلامت از طرح پزشک خانواده

خانواده ها را می شناسد، به آن ها مشاوره می دهد، پیگیر درمان آن هاست و رابط های انسانی و پایدار ایجاد می کند که این رابطه باعث اعتماد مردم و احساس امنیت بیشتر می شود.

وی تمرکز بر سبک زندگی سالم و آموزش سلامت را یکی دیگر از دستاوردهای این طرح دانست و افزود: پزشک خانواده فقط برای درمان نیست. او در زمینه تغذیه، سلامت روان، فعالیت بدنی، ترک دخانیات و... آموزش می دهد. یعنی نقش تربیتی و فرهنگی هم دارد.

دکتر جودکی ادامه داد: البرز به عنوان یکی از استان های مهاجرپذیر و پر جمعیت، نیازمند اجرای دقیق تر و هوشمندانه تر نظام مراقبت اولیه است. در همین راستا، نیاز است طرح پزشک خانواده با پوشش حداکثری در مراکز جامع خدمات سلامت شهری و روستایی به طور کامل اجرا شود.

وی در پایان بر ضرورت همکاری بین بخشی افزود: برای اجرای مؤثر این طرح، مشارکت استانداری، شهرداری ها، رسانه ها و مردم ضروری است. طرح پزشک خانواده اگر به درستی اجرا شود، می تواند الگویی برای اصلاح ساختار درمان محور کشور به یک نظام سلامت محور واقعی باشد.

خانواده این عدالت را برقرار می کند. معاون بهداشت با اشاره به اینکه پزشک خانواده کاهش بار مالی برای مردم و دولت را به همراه دارد گفت: با مراقبت مداوم و درمان به موقع در قالب طرح پزشک خانواده از هزینه های سنگین برای درمان بیماری های پیشرفته جلوگیری می شود در واقع پزشک خانواده با شناسایی زود هنگام بیماری ها، از هزینه های بعدی جلوگیری می کند.

دکتر جودکی ساماندهی نظام ارجاع را یکی دیگر از مزایای پزشک خانواده دانست و افزود: در طرح پزشک خانواده، مردم بدون نیاز به مراجعه مستقیم به متخصص ها، ابتدا به پزشک خانواده مراجعه می کنند. پزشک خانواده در صورت نیاز، فرد را به پزشک متخصص ارجاع می دهد. این یعنی نظم، کاهش سردرگمی و استفاده درست از منابع تخصصی.

معاون بهداشت به ارتقاء کیفیت مراقبت و رضایتمندی مردم در این طرح اشاره کرد و افزود: داشتن پرونده الکترونیک سلامت برای همه و ثبت کلیه اطلاعات مربوط به وضعیت سلامتی فرد به پزشک کمک می کند بر اساس داده های درست روند درمان را پیگیری کند و پزشک خانواده،



«معصومه جودکی» معاون بهداشت دانشگاه علوم پزشکی البرز- درخصوص ضرورت اجرای پزشک خانواده در کشور و استان گفت: پزشک خانواده اولین نقطه تماس مردم با نظام سلامت است و وضعیت سلامتی هر فرد در قالب پرونده الکترونیک سلامت ثبت و کنترل می شود به طوری که امر مهم آموزش و پیشگیری از بیماری را برای پزشک و تیم سلامت آسان می کند.

وی با تأکید بر اینکه همه مردم، در شهر یا روستا، با هر سطح درآمد، حق دارند خدمات اولیه سلامت تا درمان تخصصی را دریافت کنند گفت: پزشک



مدیرکل امور مالیاتی استان البرز از شناسایی فرار مالیاتی یک شخص فعال در زمینه تولید و فروش محصولات آرایشی و بهداشتی در این استان به میزان یک هزار و ۴۱۰ میلیارد ریال خبر داد.

«رضا برهانی‌نیا» اظهار کرد: در راستای اجرای بازرسی مالیاتی موضوع ماده (۱۸۱) قانون مالیات‌های مستقیم، بررسی اطلاعات، مدارک و مستندات مرتبط با فعالیت این مؤدی طی سال‌های ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰ و ۱۴۰۲ انجام شد که در نهایت فرار مالیاتی به میزان یک هزار و ۴۱۰ میلیارد ریال شامل اصل مالیات و جرائم غیرقابل بخشودگی شناسایی شد.

سیری در خاطرات شهید رشوند؛

اگر نرویم جنگ، این سرنوشت برای بچه‌های ما تکرار می‌شود



به یکی از اقوامشان که به شدت بیمار بود، بخشید و در دفاع از حرم حضرت زینب (س) به شهادت رسید.

این همسر شهید یاد آور شد: شهید «عبدالرشید» در تمام دوران خدمت، مدام در حال آموزش و یادگیری بود. از آموزش‌های تکاوری و جنگل شناسی گرفته تا غواصی و دریانوردی دوست داشت که در هر کاری خیره و توانمند باشد.

همسر شهید رشوند بیان کرد: بعدها در یادگان شهید باهنر مسئول آموزش نیروهای لبنانی، بوسنی و سایر کشورهای عربی شد. حتی سیدهادی نصرالله فرزند شهید سید حسن نصرالله هم جزو نیروهایش بود، در این زمان سعی کرد زبان عربی را به خوبی یاد بگیرد تا جایی که به طور کامل مسلط شد و گاهی هم درس عربی را تدریس می‌کرد.

پیگیری کرد، ولی کارش خوب پیش نمی‌رفت؛ سر نماز بودم که به من گفت، برابم دعا کن. گوش‌اش زنگ خورد و جواب داد. وقتی که نماز تمام شد دیدم که خیلی خوشحال است، گفت که کار سوریه رفتنش درست شده و فقط مانده گذرنامه. چند روز بعد دیدم که چیزی درستش گرفته و مدام شعر می‌خواند و دور خودش می‌چرخد. گفتم: «چی شده؟ کیکت خروس می‌خونه!» گفت: «بالاخره درست شد، این هم گذرنامه.» ته دلم ریخت.

اولین بار بود که قرار شد برود سوریه. به هیچ کسی اطلاع نداد. ساکش را بست و گفت باید برای مأموریت برم بندرعباس و از آنجا هم احتمالاً برویم کربلا، به او گفتم با همین یک عدد ساک» گفت: «بله. مگر قاره چه کار کنم؟» از زیر قرآن ردش کردیم و رفت فرودگاه. بعد از ظهر ساعت حدود چهار عصر بود که پیامکی به گوشیم آمد. آقا رشید بود. با خوشحالی پیام را باز کردم: «سلام آذر خانم. حلال کن دارم می‌روم سوریه!»

همسر شهید رشوند افزود: مدتی بود که مشکلات مالی زیادی برپایمان پیش آمده بود. از طرفی خاتمان آتش گرفت و از طرف دیگر درگیر و دار تهیه و تدارک جهیزیه برای دخترم بودیم تا اینکه از طرف محل کارش پنج میلیون تومان وام گرفت. خیلی خوشحال شدم که حداقل می‌توانیم نیمی از مشکلاتمان را برطرف کنیم. در کمال ناباوری ۲ و نیم میلیونش را به همکارش بخشید که برایش مشکلی پیش آمده بود. وقتی اعتراض کردم که خدما بیشتر به آن پول نیاز داشتیم و چرا آن را به دیگری بخشیدی؟ خندید و گفت: «تو ببخش تا خدا هم به تو ببخش.»

۱۵ روز شناسایی با یک بیسکویت

وی افزود: هفت نفر داعشی در سنگر بودند که ۶ نفر آن‌ها را به درک واصل می‌کند و یک نفر را زنده می‌گذارد تا برود و به بقیه‌شان پیغام ببرد. بعد اسلحه و مهمات را بر می‌دارد و اردوگاهشان برمی‌گردد. فرماندهان باورش نمی‌شد که او به تنهایی توانسته این کار شناسایی را انجام بدهد. فرمانده فیلم و عکس را که تهیه کرده بود، برای تهران می‌فرستند تا همه بداندند که عبدالرشید چه کار بزرگی انجام داده!

شهید «عبدالرشید رشوند» از رزمندگان و شهدای مدافع حرم استان البرز در دفتر خاطرات خود نوشته است که وقتی کتاب‌ها و دفترهای به جامانده دانش آموزان کشور سوریه در مدارس را دیدم با خود گفتم که اگر نرویم جنگ، این سرنوشت برای بچه‌های ما تکرار می‌شود.

اولین بار که به کشور سوریه رفته بود، از زیر نیمکت های مدارس این کشور کتاب‌های بچه‌ها را که جامانده بود جمع کرده و با خود یادگاری آورده بود، وقتی به کتاب‌ها نگاه می‌انداخت خیلی غصه می‌خورد و مدام می‌گفت: اگر ما نرویم جنگ، فردا این سرنوشت برای بچه‌های ما هم تکرار می‌شود چرا که این بچه‌ها حتی وقت نکردند که کتاب و خوراکی‌ها را از زیر نیمکت بردارند و فرار کنند.

شهید «عبدالرشید رشوند» از شهدای مدافع حرم استان البرز در یکم مهر ماه سال ۱۳۴۶ در روستای «آوه الموت شرقی» از توابع استان قزوین دیده به جهان گشود. دوران کودکی‌اش در همانجا سپری شد. پدرش در روستا دامداری می‌کرد و مادرش مانند تمام اهالی روستا مشغول خانه‌داری و کمک در کارهای کشاورزی و دامداری بود.

بعدها این شهید بزرگوار برای ادامه تحصیل به کرج نزد خوه‌اش آمد و از آنجا به جبهه اعزام شد و ۹ ماه در جبهه‌ها ماند، در ۲۰ سالگی ازدواج کرد که حاصل این ازدواج یک پسر به نام «روح الله» و یک دختر به نام «مطهره» از وی به یادگار مانده است. قبل از ازدواج به عضویت سپاه درآمده بود و رشته‌های غواصی، چتر بازی و دریانوردی را تخصصی گذراند. عبدالرشید همزمان تا مرحله کارشناسی ارشد ادامه تحصیل داد؛ خدمت صادقانه او در سپاه پاسداران باعث ارتقای درجه‌اش تا سرهنگی شد. در طی مدتی که به عضویت سپاه درآمده بود، مأموریت‌های زیادی می‌رفت. فرمانده گردان امام حسین (ع) شهرستان کرج بود و آخرین مأموریتش اعزام ۶ ماهه به سوریه در اردیبهشت سال ۱۳۹۴ بود. در روز ششم آذر سال ۱۳۹۴ طی حمله‌هایی که از سوی گروه تکفیری داعش صورت گرفت، به شهادت رسید و پیکرش در روز اربعین به کشور بازگشت. مزار این شهید بزرگوار در گلزار شهدای امامزاده محمد (ع) کرج است.

شهید رشوند به هر سه آرزوی خود رسید

همسر شهید می‌گوید: همیشه سه تا آرزو و سه تا برنامه برای آینده‌اش شامل ادامه تحصیل در دانشگاه، جنگ برای لبنان و اهدای اعضای بدنش را داشت، من هم می‌خندیدم و می‌گفتم: «مگر هنوز هم جنگ هست؟» لیکن غمگینی می‌زد و می‌گفت: «بله، هنوز هم توی کشورهای اسلامی جنگ هست. دعا کن که برم و شهید شوم، عاقبت به هر سه آرزویش رسید.

وی افزود: درسش را تا کارشناسی ارشد ادامه داد، کلیه‌اش را

عضو شورا: موضوع پدافند غیر عامل در کرج جدی گرفته شود

سازمان نظام مهندسی استان با مدیریت شهری نیاز است.

رحیمی آموزش شهروندی در مواجهه با بحران‌ها را یکی از مؤلفه‌های اصلی تاب‌آوری شهری دانست و تاکید کرد: با تشکیل کارگروه مشترک می‌توان مکان‌های امن سطح شهر و همچنین محل‌های امن در ساختمان‌های موجود شامل مسکونی، اداری و تجاری را شناسایی و به شهروندان به منظور استفاده در مواقع بحران معرفی کرد.

برگزار شد، افزود: این سازمان باید یکی از بازوان مدیریت شهری در حوزه پدافند غیرعامل باشد و با تشکیل کارگروه مشترک در زمینه پدافند غیرعامل همفکری و همکاری لازم به عمل آورد.

رئیس کمیسیون شهرسازی و معماری شورای اسلامی شهر کرج گفت: موضوع ایمنی در سطح شهر بخصوص در زمان بحران از اهمیت بالایی برخوردار است که این مبحث در حوزه شهرسازی همکاری بین

رئیس کمیسیون شهرسازی و معماری شورای اسلامی شهر کرج با بیان اینکه پدافند غیرعامل حلقه مفقوده سازمان نظام مهندسی ساختمان و مدیریت شهری کرج است، گفت: با توجه به شرایط حساس کنونی این موضوع باید در ابعاد مختلف از جمله ساخت و سازها بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

علیرضا رحیمی «روز دوشنبه در نشست شورای اسلامی شهر کرج که با حضور اعضای هیات مدیره سازمان نظام مهندسی ساختمان البرز

یک کلیک اشتباه یک عمر پشیمانی!

حمیدرشید

شاید تنها چند ثانیه طول بکشد تا یک کلیک اشتباه، پس‌انداز ماه‌ها و حتی سال‌ها را از بین ببرد. در دوره‌ای که بسیاری از تراکنش‌های مالی، ابلاغیه‌های حقوقی، و خدمات دولتی به فضای دیجیتال منتقل شده‌اند، «اعتماد دیجیتال» سرمایه‌ای شکننده و بی‌ثبات است. گزارش اخیر پلیس فتا البرز درباره دستگیری یک فیشینگ‌کار حرفه‌ای که از ۳۱۸ نفر در سراسر کشور بالغ بر ۲۸ میلیارد ریال کلاهبرداری کرده، بار دیگر زنگ خطر را به صدا درآورده است.

ماجرا از آنجا آغاز شد که یکی از شهروندان البرزی متوجه برداشت غیرمجاز از حساب بانکی‌اش شد. موضوعی که برای برخی شاید هنوز هم غریب بنظر برسد، اما برای بسیاری از کاربران ایرانی، تجربه‌ای آشنا، تلخ و گاه تکراری‌ست. پلیس فتا در اقدامی سریع، متهم را در یکی از مناطق کرج شناسایی و دستگیر کرد. اما اهمیت ماجرا صرفاً در شناسایی این فرد نیست؛ بلکه در روش دقیق و حرفه‌ای او برای فریب دادن مردم نهفته است.

متهم از دو عنوان پیامک پرکاربرد استفاده کرده: «ابلاغیه ثنا» و «واریز سود سهام عدالت»؛ هر دو عبارتی رسمی، دولتی و به ظاهر قابل اعتماد. همین‌جاست که نقطه خطر شکل می‌گیرد. وقتی مرز بین پیام واقعی و تقلبی این‌قدر باریک می‌شود، شهروند عادی چگونه باید تفاوت را تشخیص دهد؟ فیشینگ، هنر فریبکاری در پوشش اعتماد است. با شبیه‌سازی دقیق صفحات بانکی یا سازمانی، کاربر را به وارد کردن اطلاعات حساس خود ترغیب می‌کند؛ از رمز دوم گرفته تا CVV2 و تاریخ انقضای کارت.

فیشینگ فقط یک تخلف سایبری نیست؛ بازتابی از شکاف آگاهی عمومی، ضعف امنیت زیرساختی، و حتی فقر دیجیتال در میان لایه‌هایی از جامعه است. در کشوری که میلیون‌ها نفر هنوز درک دقیقی از مفهوم امنیت سایبری ندارند، مجرم‌ان سایبری به راحتی با ابزارهایی ساده، قربانیان خود را به دام می‌اندازند. آنچه ما امروز شاهدش هستیم، فقط حاصل نیت پلید یک فرد نیست، بلکه نتیجه خلأهای گسترده آموزشی و نظارتی است. از سوی دیگر، باید پرسید: اگر این کلاهبردار از ۳۱۸ نفر بیش از ۲۸ میلیارد ریال سرقت کرده، چرا تنها یک شاکی به پلیس مراجعه کرده است؟ آیا باقی قربانیان متوجه نشده‌اند؟ یا از پیگیری حقوقی مأیوس شده‌اند؟ پاسخ به این پرسش‌ها، ما را به سمت واقعیتی نگران‌کننده‌تر می‌برد: بی‌اعتمادی شهروندان به روندهای رسیدگی و همچنین عادی‌سازی قربانی‌شدن در جامعه‌ای که بارها طعمه‌ی همین مجرم‌ان شده است.

واقعیت این است که اقدامات پلیس فتا در شناسایی و پیگیری جرائم سایبری در سال‌های اخیر قابل تحسین بوده، اما این تلاش‌ها تنها یک ضلع از مثلث مقابله با فیشینگ است. ضلع دوم، آموزش عمومی و مستمر است؛ اینکه مردم بدانند هر لینکی، حتی اگر به ظاهر از «سامانه ثنا» یا «سود سهام عدالت» باشد، لزوماً امن نیست. آموزش باید فراگیر، ساده، تصویری و همه‌جانبه باشد؛ از مدارس گرفته تا رسانه ملی، از بانک‌ها تا دفاتر پیشخوان.

ضلع سوم، مسئولیت حاکمیتی در طراحی زیرساخت‌های ایمن و قابل تشخیص است. چرا هنوز هیچ سامانه‌ی رسمی‌ای در ایران وجود ندارد که شهروند بتواند صحت پیامک‌ها یا لینک‌ها را بررسی کند؟ چرا درگاه‌های بانکی و دولتی همچنان قابل جعل هستند؟ مگر نه اینکه امنیت روانی شهروند در فضای دیجیتال، به اندازه امنیت فیزیکی‌اش در خیابان اهمیت دارد؟

دستگیری این متهم، بدون شک اقدامی مؤثر در قطع زنجیره یک کلاهبرداری بزرگ بوده، اما مسئله اصلی هنوز پابرجاست: ساختار فریب در فضای دیجیتال، همچنان فعال و پویاست. تا زمانی که فیشینگ همچون قارچی هر روز در بستر ناآگاهی و بی‌پروا می‌رشد، امنیت مالی مردم، بازیچه چند خط کد ساده خواهد بود.

بیمه‌شدگان تأمین اجتماعی چگونه و چقدر کمک هزینه ازدواج دریافت کنند؟

میناری

رئیس اداره بیمه بیکاری و تعهدات کوتاه‌مدت تأمین اجتماعی نحوه برخورداری از حمایت‌هایی مانند کمک‌هزینه ازدواج و مراسم ترحیم را تشریح کرد.

«امیرعباس قدرتی» -رئیس اداره بیمه بیکاری و تعهدات کوتاه مدت سازمان تأمین اجتماعی- در گفت‌وگویی درخصوص تعهدات سازمان تأمین اجتماعی گفت: حمایت‌های بی‌مه‌ای سازمان تأمین اجتماعی به دو دسته کلی تعهدات کوتاه مدت و بلند مدت طبقه‌بندی می‌شوند. تعهدات بلند مدت شامل مستمری‌هایی است که در دوران بازنشستگی و یا از کارافتادگی به مشمولان پرداخت می‌شود و یا در صورت فوت بیمه شده اصلی به بازماندگان واجد شرایط تعلق می‌گیرد.

وی افزود: تعهدات کوتاه مدت شامل حمایت‌هایی است که با توجه به ماهیت آن‌ها، صرفاً یک بار (کمک ازدواج و کمک هزینه مراسم ترحیم) و یا برای مدت کوتاه و محدودی پرداخت می‌شود و هدف از برقراری و ارائه آن، حمایت از بیمه‌شدگان در مقابل بروز عواملی از جمله بیماری، حوادث، زایمان و بیکاری است.

وی در ادامه درباره تعهدات کوتاه مدت سازمان تأمین اجتماعی اظهار کرد: این نوع تعهدات شامل غرامت دستمزد ایام بیماری، کمک بارداری (مخصوصاً زایمان)، پروتز و ارتوز، کمک هزینه ازدواج، کمک هزینه مراسم ترحیم، هزینه سفر و فوق‌العاده سفر اقامت بیمار و همراه، مقرری بیمه بیکاری و غرامت مقطع نقص عضو است.

پرداخت کمک‌هزینه فوت حداقل دستمزد سال فوت قدرتی در خصوص پرداخت هزینه مراسم ترحیم به بیمه‌شدگان این سازمان بیان کرد: هدف از پرداخت کمک هزینه مراسم ترحیم، جبران بخشی از هزینه‌هایی است که بازماندگان افراد مشمول قانون تأمین اجتماعی بابت فوت آنان متحمل شده‌اند.

وی گفت: این کمک هزینه، رقم مقطوعی است که در صورت فوت همسر بیمه‌شده یا مستمری‌بگیر اصلی به فرد بیمه‌شده یا مستمری‌بگیر و در صورت فوت بیمه‌شده یا مستمری‌بگیر اصلی، به خانواده بیمه‌شدگان و مستمری‌بگیران تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی پرداخت می‌شود. مشمولان دریافت کمک‌هزینه مراسم ترحیم، مستمری‌بگیران بازنشسته و ازکارافتاده کلی و بیمه‌شدگان اجباری، اختیاری، توافقی، رانندگان، کارگران ساختمانی، مقرری‌بگیران بیمه بیکاری و قالیبافان هستند.

رئیس اداره بیمه بیکاری و تعهدات کوتاه مدت سازمان تأمین اجتماعی ادامه داد: مبلغ کمک هزینه کمک هزینه مراسم ترحیم معادل حداقل دستمزد ماهانه مصوب شورایی کار در سال فوت است و شرط اصلی پرداخت آن به بازماندگان، برقرار بودن ارتباط بیمه‌ای متوفی با سازمان و دارا بودن استحقاق درمان در زمان فوت است.

بیمه‌شدگان با ۲۲۰ روز سابقه کار مشمول کمک‌هزینه ازدواج می‌شوند و در ادامه به کمک هزینه ازدواج اشاره کرد و گفت: سازمان تأمین اجتماعی به بیمه‌شدگان زن یا مرد که برای اولین بار ازدواج می‌کنند و دارای شرایط قانونی لازم می‌باشند، مبلغی به عنوان کمک ازدواج پرداخت می‌کند. میزان آن معادل یک ماه متوسط حقوق یا مزد بیمه‌شده ظرف دو سال قبل از تاریخ عقد می‌باشد و در صورتی که که مبلغ محاسبه شده کمتر از حداقل دستمزد ماهانه تاریخ عقد باشد، مبلغ قابل پرداخت به حداقل دستمزد مصوب شورایی کار در سال وقوع عقد افزایش می‌یابد.

به گفته وی بیمه‌شده در صورت احراز شرایط ذیل، استحقاق دریافت کمک ازدواج را خواهد داشت:

در تاریخ ازدواج رابطه استخدامی بیمه‌شده با کارفرما قطع نشده باشد.

تنها زن ایرانی محبوس در زندان‌های عمان به کشور بازگشت

از جمله دستاوردهای سفر ۲ روزه مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور به سلطان نشین عمان، توسعه مناسبات و همکاری‌های حقوقی - قضایی بین ۲ کشور بود که از مهم‌ترین آن‌ها امضای موافقت‌نامه‌های حقوقی و قضایی در حوزه حقوق بین‌الملل همچنین آزادی تعدادی از ایرانیان محبوس در زندان‌های عمان بود. بر این اساس یک نوجوان ۱۷ ساله و تنها زن ایرانی محبوس در سلطان نشین عمان در راستای اجرای مصوبات این سفر، در روزهای اخیر آزاد و به کشور منتقل شدند.

«عسکر جلالیان» -معاون حقوق بشر و امور بین‌الملل وزیر دادگستری- در این رابطه به هموطنان توصیه کرد در سفر به سایر کشورها، رعایت قوانین و مقررات حاکم بر این کشورها را به صورت جدی مد نظر قرار دهند تا مشمول مجازات‌های سنگین نشوند.

سه شنبه ۲۴ تیر ۱۴۰۴ شماره ۱۸۵۲

دنیای سوادار

جمعه

داستان جلد

«دنیای هوادار» از تاب‌آوری پایین زیرساخت‌های سلامت کشور در برابر بحران‌های گوید؛

ویروس فرسودگی، بیخ گوش نظام سلامت

مهدی تیموری

تصور کنید در میانه جنگی ۱۲ روزه، بیمارستانی که باید پناه امن مجروحان و بیماران باشد، خود بدل به تهدیدی بالقوه شود: کپسول‌های اکسیژنی که مثل بمب عمل می‌کنند، ژنراتورهایی که با کوچک‌ترین لرزش خاموش می‌شوند، و انبارهای دارویی که هیچ مقاومتی در برابر حمله، آتش یا زمین‌لرزه ندارند. این تصویر نه متعلق به فیلمی آخرالزمانی، بلکه واقعیتی تلخ از بیمارستان‌های امروز کشورمان است. درحالی‌که جهان به‌سوی ساخت بیمارستان‌های هوشمند، ضدزلزله و مقاوم در برابر جنگ‌های نوین رفته، بسیاری از مراکز درمانی ما همچنان بر ستون‌هایی لرزان و بودجه‌هایی فرسوده ایستاده‌اند؛ فرسودگی‌ای که نه‌فقط در دیوارها، بلکه در برنامه‌ریزی، اولویت‌گذاری، و فقدان پدافند غیرعامل دیده می‌شود. اظهارات اخیر «سیدمحمد جمالیان»، عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، تصویر نگران‌کننده‌ای از وضعیت زیرساخت سلامت کشور ترسیم می‌کند: از بیمارستان‌هایی با عمر بالای ۶۰ سال گرفته تا ناوگان اورژانسی که با آمبولانس‌هایی فرسوده و نیمه‌جان، قرار است ناجی جان‌ها در شرایط بحرانی باشند. او با صراحت گفته است که حتی بیمارستان‌های نوساز نیز فاقد استانداردهای پایه پدافند غیرعامل‌اند؛ و این یعنی در صورت وقوع بحران، خود مراکز درمانی می‌توانند به میدان مین تبدیل شوند. این هشدار، بیداری‌اشی است برای بازنگری در فلسفه مدیریت سلامت در کشور.

سلامت، قربانی بی‌تدبیری زیرساختی

مسئله تاب‌آوری در نظام سلامت، یک دغدغه صرفاً فنی نیست؛ بلکه پدیده‌ای چندبعدی با پیامدهای انسانی، اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی است. در جهان امروز، «سلامت» نه فقط به‌عنوان خدمات پزشکی، بلکه به‌مثابه یکی از ارکان امنیت ملی شناخته می‌شود. مفهوم «health security» یا امنیت سلامت، از منظر جامعه‌شناسی (بر پایه آراء متفکرانی چون آنتونی گیدنز) بر این نکته تأکید دارد که جامعه‌ای با زیرساخت درمانی ناپایدار، در معرض فروپاشی انسجام اجتماعی و افزایش نارضایتی مدنی قرار دارد. این در حالی‌ست که بسیاری از بیمارستان‌های ما، از جمله مراکز رفیرالی چون بیمارستان سینا، دیگر پاسخگوی الزامات بحران‌زده امروز نیستند. رشد جمعیت، افزایش حوادث طبیعی، تهدیدات جنگی، و پاندمی‌های جهانی مانند کرونا نشان داده‌اند که نظام سلامت فراتر از خدمات‌رسانی، نیازمند یک فلسفه بقا و تاب‌آوری است.

جمالیان به‌رستی هشدار می‌دهد که در بسیاری از بیمارستان‌های ایران، حتی ابتدایی‌ترین ملزومات پدافند غیرعامل رعایت نشده‌اند. تصور کنید که در میانه یک زلزله یا حمله موشکی، ژنراتور برق اضطراری بیمارستان عمل نکند، انبار دارویی آتش بگیرد، یا کپسول‌های اکسیژن منفجر شوند. چنین سناریویی نه ترس‌آور، بلکه محتمل است.

اینجاست که سؤال اصلی شکل می‌گیرد: چرا حتی در بیمارستان‌های نوساز نیز استانداردهای پدافند غیرعامل رعایت نمی‌شود؟ پاسخ را باید در ترکیبی از

چند عامل جست‌وجو کرد:

- نگاه درمان‌محور و نه تاب‌آورمحور: تمرکز وزارت بهداشت و دولت‌ها در دهه‌های اخیر، صرفاً بر گسترش تخت و خدمات درمانی بوده نه مقاومت‌سازی زیرساخت‌ها.

- بی‌اعتنایی به تهدیدات نوین: گویی همچنان تصور می‌شود که جنگ یا زلزله رویدادهایی حاشیه‌ای و نادر هستند؛ در حالی‌که جنگ اخیر ۱۲ روزه خلاف این را ثابت کرد.

- فقدان بودجه‌های هدفمند و بین‌بخشی: همان‌طور که جمالیان تأکید می‌کند، این مسئولیت تنها بر دوش وزارت بهداشت نیست؛ سازمان پدافند غیرعامل، آتش‌نشانی، نهادهای نظامی و عمرانی نیز باید در این ساختار مداخله کنند.

از نگاه اقتصاد سیاسی، می‌توان گفت که نظام سلامت ایران اسیر همان «منطق روزمرگی و بحران‌زدگی» است که در سایر حوزه‌های عمومی نیز دیده می‌شود. به تعبیر دیوید هاروی، در نظام‌هایی که برنامه‌ریزی شهری و زیرساختی قربانی سیاست‌زدگی و تمرکز بر منافع کوتاه‌مدت می‌شود، همواره مردم طبقه متوسط و فرودست بیشترین آسیب را می‌بینند. زیرساخت‌های فرسوده، نه مدیران ارشد، بلکه مردمی را تهدید می‌کنند که در بحران، به بیمارستان پناه می‌برند. از سوی دیگر، مشکل تنها فیزیکی نیست. جمالیان به بحران منابع انسانی درمانی نیز اشاره می‌کند؛ کمبود پرستار، متخصص بیهوشی و نیروهای اورژانس در بسیاری از شهرستان‌ها، نشان‌دهنده شکاف عمیق در توزیع عادلانه منابع است. اگر این بحران با انفجار جمعیتی یا مهاجرت متخصصان هم‌زمان شود، فروپاشی عملکردی بیمارستان‌ها حتی بدون جنگ یا زلزله نیز ممکن خواهد بود.

مسئله ناوگان اورژانس نیز به‌شکلی نمادین، وضعیت اسفناک اولویت‌گذاری را آشکار می‌کند. آمبولانس‌هایی که بعضاً بیش از ۳۰ سال کار کرده‌اند، امروز باید در شرایط جنگ، زلزله یا بحران‌های اجتماعی مأمور نجات جان‌ها باشند. اما چطور؟ با چه سرعتی؟ با چه تجهیزاتی؟ اگر مرگ در راه رسیدن به بیمارستان، از خود بحران محتمل‌تر باشد، دیگر سخن گفتن از «تاب‌آوری» به شوخی تلخی می‌ماند.

اگر بیمارستان، خودش بیمار باشد...

ما امروز در نقطه‌ای ایستاده‌ایم که بیمارستان، خود به نمادی از بیماری بدل شده؛ نه از جنس عفونت و درد فیزیکی، بلکه از نوع عمیق‌تری: بیماری مزمن فرسودگی، فقدان چشم‌انداز و غفلت ساختاری.



اگر بخواهیم وضعیت زیرساخت سلامت کشور را همان‌گونه که هست توصیف کنیم، کافی‌ست بپذیریم که ما در حال سوار شدن بر آمبولانسی هستیم که نه فرمانش سالم است، نه ترمز دارد، و نه می‌دانیم در پیچ بعدی، سقوط می‌کنیم یا نه.

جنگ ۱۲ روزه شاید در تقویم رسمی فقط دوازده روز طول کشید، اما در حافظه سلامت کشور، باید آن را به‌مثابه نقطه عطفی برای افشاکاری زیرساختی دید. اگر همچنان با همان منطق پیشین به موضوع بنگریم -منطق درمان‌محور، روزمره‌زی، و بی‌توجه به ریسک‌های واقعی- فقط زمان نیاز است تا بحران بعدی، شاید زلزله‌ای مهیب یا حمله‌ای سایبری، تیر خلاص را بر پیکر نیمه‌جان بیمارستان‌های ما بزند.

بگذارید صریح باشیم: در آینده‌ای نه‌چندان دور، دیگر بیمارستانی نخواهد بود که فرسوده شود؛ چون ممکن است چیزی برای فرسودن باقی نمانده باشد. در جهانی که تاب‌آوری زیرساخت، مؤلفه‌ای از قدرت ملی و حتی دیپلماسی شده، ما هنوز درگیر مجادله‌ای اولیه‌ایم که آیا بیمارستان باید پدافند غیرعامل داشته باشد یا نه. آیا داروخانه یک مرکز رفیرال، باید انبار ایمن داشته باشد یا خیر. آیا جان پرستاری که شب تا صبح با کپسول اکسیژن لرزان سروکار دارد، اصلاً اهمیتی دارد یا نه. اگر یک نظام سیاسی، حتی در زمان صلح، قادر به حفاظت از جان نیروهای درمانگر خود نباشد، چگونه می‌توان انتظار داشت درل بحران، انسجام، امنیت یا امید تولید کند؟

فراموش نکنیم: هر بحران، فقط زلزله یا موشک نیست؛ بحران می‌تواند همان لحظه‌ای باشد که برق اضطراری بیمارستان وصل نمی‌شود. یا همان ثانیه‌ای که آمبولانس نمی‌رسد. یا همان روزی که پرستاری، به‌دلیل فشار طاقت‌فرسا، دیگر سر کار بازنگردد.

این‌ها نشانه‌های سستی یک تمدن‌اند، نه فقط ناکارآمدی یک وزارتخانه؛ و اینجاست که باید خطاب به تصمیم‌گیران گفت: زمان تصمیم‌سازی به پایان رسیده. اکنون، زمان اقدام است. بودجه‌های پشت در مانده، طرح‌های خاک‌خورده، جلسات بی‌حاصل و مصوبات بدون ضمانت اجرا، نه فقط کارایی ندارند، بلکه خودشان بخشی از مشکل‌اند. اگر بیمارستان‌ها فروپریزند، این اعتماد عمومی است که دفن می‌شود. اگر آمبولانس‌ها خاموش بمانند، این امید به بقاست که می‌میرد؛ و شاید برای آخرین بار بتوان یادآوری کرد که بمب‌ها فقط از آسمان نمی‌آیند؛ بعضی از آن‌ها، همین حالا در اتاق‌های بی‌صدا و سرد مدیریت، زیر کوهی از بی‌تصمیمی و بی‌برنامگی پنهان شده‌اند. تا دیر نشده، این بمب‌ها را خنثی کنید...



بازیگر پیشکسوت تئاتر و تلویزیون درگذشت

یعقوب صباحی بازیگر باسابقه تئاتر و تلویزیون، ظهر گذشته درگذشت. وی بازیگر باسابقه تئاتر و تلویزیون، که شامگاه پنج‌شنبه ۱۹ تیرماه دچار سکنه مغزی شده بود و در بیمارستان آزادی تهران در بخش مراقبت‌های ویژه این مرکز درمانی در کما به‌سر می‌برد، ظهر دیروز دار فانی را وداع گفت.

یعقوب صباحی از چهره‌های شناخته‌شده تئاتر ایران متولد سال ۱۳۴۰ بود که از دهه ۱۳۶۰ فعالیت حرفه‌ای خود را آغاز کرده و در طی چهار دهه، در بیش از ۱۰۰ اثر نمایشی، تلویزیونی و سینمایی به ایفای نقش پرداخته بود. او همچنین یکی از اعضای گروه تئاتر «شایا» بود. او در تصویر نیز حضور پررنگی داشته و با بازی در سریال‌هایی چون «حجرین عدی»، «بغمای باشکوه خورشید»، «همان کشی» و در شبکه نمایش خانگی با سریال «جان سخت» در ذهن مخاطبان ماندگار شده است.

سه شنبه ۲۴ تیر ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۵۲

فرهنگ

دنیای سوادار

دست‌به‌نقد

بازخوانی طبیعت، مادری و موجودیت در فیلم LAMB؛

وقتی طبیعت پاسخ می‌دهد

امید سلیمی

«رابت‌آرگز» در سالیان اخیر با ساخت آثاری همچون «ساحره و فانوس‌دریایی» باردیگر ثابت کرد اصولاً مقوله‌ی تنهایی و تک‌افتادگی بشر در دل طبیعت و ترس‌هایی که به‌مرو به‌مشکلی عینی و ذهنی بر سرش آوار می‌شوند و هر لحظه، عرصه را برایش تنگ‌وتنگ‌تر می‌کنند، خود تملی جذاب و کنج‌کاو برانگیز است که می‌توان آن را به شیوه‌های مختلف روایت کرد.

«بزه» ساخته‌ی والدیمار یوهانسون» یکی از تازه‌ترین آثاری است که با همین تم پیش رفته و اگرچه معتقدم در مجموع به قدرت و یکپارچگی آثار آرگز نیست، اما به‌عنوان اثری متوسط می‌توان بدان پرداخت.

در بزه قرار است به‌شکلی هم‌زمان با دو منشأ ترس طرف باشیم. یکی ترس از عناصر ناشناخته و ماوراءالطبیعه و دیگری خود انسان. بزه اگرچه سعی دارد در طول روایت به هردو عامل چنگ زده و اثری چند وجهی و چندلایه باشد اما نتیجه‌اش فیلمی است که به‌هیچ‌یک به‌قدر کافی نمی‌پردازد و به‌بردن از تمامی پتانسیل‌هایش در توان فیلم‌سازش نیست.

فیلم در نیمه‌ی ابتدایی جذاب و پرکشش پیش چشم مخاطب قرار می‌گیرد. به‌عنوان مثال نمای ابتدایی را به یاد آورید که دوربین با یک ترکیب به جلو در محیطی کوهستانی و سرد پیش می‌رود. در ظاهر با نمایی اُبژکتیو طرفیم که گویی قرار است موقعیت مکانی را به ما نشان دهد اما به‌مرو صدایی نفس‌نفس زنان بر تصویر نشسته تا بدانیم این، نمایی سوُبژکتیو بوده و درحالی‌که فرار گله‌ی اسب از این موجود ناشناخته را داریم، نگرانی و دلهره نصیبمان می‌شود: هویت این موجود چیست؟ هدف و مقصدش کجاست؟

فیلم‌ساز در ادامه و در بخش مقدماتی و زمانی که هنوز داستانی آغاز نشده به‌خوبی مخاطب را با شخصیت‌ها و محیط روایت آشنا کرده و رابطه‌ی آن‌ها با یکدیگر را بدرستی تصویرسازی می‌کند: از همان نماهای لانگ و اکستریم‌لانگ‌شات از محیط کوهستانی (با آن سکوت و همناک و آسمان‌هایی گهگاه ابری) گرفته که بدرستی مخاطب را با تنهایی و تک‌افتادگی شخصیت‌های اصلی در دل طبیعت آشنا کرده و عظمت طبیعت در مقابل کوچکی انسان را تفهیم می‌کنند تا وجود نماهای باز و بسته در طویله (به‌عنوان یکی از لوکیشن‌های مهم) که علاوه‌بر معرفی محل کار شخصیت‌های اصلی و تاکید بر حضور گوسفندان به‌عنوان یکی از ارکان موثر کار، گاه نگاه مستقیم آن‌ها به دوربین را نیز شکار کرده است. نگاهی که گویی خبر از انتظار این موجودات برای مواجهه با حادثه‌ای شوم و دردسرساز می‌دهد. همچنین در بحث رنگ‌بندی تا جای ممکن از حضور رنگ‌های گرم و پرانرژی همچون قرمز، زرد، نارنجی، بنفش و... پرهیز شده و عمدتاً رنگ‌های سرد و خنثی در قاب‌ها خودنمایی کرده و همچنین در میزانشن‌های دوفرآه زوج اصلی و دیالوگ‌های ردوبدل شده مابین آن‌ها بر سردی و فاصله‌ی آن‌ها از یکدیگر تاکید می‌شود. همچون سکاس گپ‌زدن سرمیز که مرد (اینگوار) آرزو دارد به آینده سفر کند و زن (ماریا) در فکر بازگشت به گذشته است. تمهیداتی که موجب شده تا فیلم‌ساز در خلق فضایی دلگیر و مایوس‌کننده موفق باشد.

اما زمانی که نخستین نقطه‌عطف فیلم بوقوع می‌پیوندد و اثر قرار است تا داستانی‌گویی‌اش را آغاز کند با مشکلائی هم

مواجه می‌شود: زوج اصلی به‌شکلی غیرقابل‌باور و غیرعادی با بدنیا آمدن مخلوقی ناشناخته و هراس‌انگیز کنار می‌آیند! بزه‌ای که در واقع، نیمه‌انسان، نیمه‌حیوان بوده و بدنش آدمیزادی و سرش حیوانی است، کوچک‌ترین تردید و هراسی را در دل شخصیت‌ها راه نمی‌دهد! فیلم‌ساز گویی قصد داشته فقدان فرزند و تنهایی این زوج را بهانه‌ای سازد برای کنار آمدن با این قضیه، اما به‌هرشکل این مهم رخ نداده و برخورد این زوج با مخلوق جدید، چنان عادی است که گویی تولد چنین موجودی در این دنیا امری کاملاً طبیعی و تکراری بوده و جای هیچ نگرانی و تعجبی هم نیست! مشکل آنجاست که فیلم‌ساز ابتدا به ریشه‌های اعتقادی دینی یا خرافی این زوج هم نپرداخته تا این کنار آمدن عادی را توجیه کند. مخلوقی ناشناخته بدنیا آمده و آن‌ها هم قبولش می‌کنند. به‌همین راحتی! شاید تنها نمای منطقی در این بخش نمایی از اینگوار پشت ماشین باشد که مشغول گریستن است؛ بواقع، وی نگران آینده همسر و وضعیت روحی‌روانی اوست. اما این نما هم در ادامه کارکرد و تأثیرگذاری ویژه‌ای در اثر نداشته تا بدینم فیلم قرار است همین برخورد غیرعادی را مقبول جلوه دهد؟). فیلم‌ساز در این بخش با اشاره به بحث حسادت زنانه و احساس تملک آن‌ها در صدد بوده تا تقابلی جذاب میان مادر اصلی این مخلوق (آدا) و ماریا ایجاد کند. همچون نماهایی موتیف‌وار که در آن‌ها شاهد نگاه خیره‌ی گوسفند مادر و ضجه‌زدن‌های پی‌پی‌اش پشت پنجره‌ی خانه هستیم. تلاشی از سمت مادر برای بازپس‌گیری آدا و وصال به طبیعی‌ترین حق هر موجود زنده در این دنیا. و یا هنگامی که (نمای POV) گوسفند مادر که مشغول نگریستن به ماریاست به نمایی که در آن ماریا مشغول تکان‌دادن آدا در اتاق است، کات زده می‌شود. در نمای اول، فقدان یک رابطه‌ی اصیل مادر فرزندی را حس می‌کنیم و در نمای بعدی شاهد یک رابطه‌ی مادر-فرزندی تحمیل شده و تصنعی هستیم. تدوین در القای چنین حسی بشدت موثر است و همانطور که در ابتدا متن هم اشاره شد، یکی از منابع ترس در بزه، حضور انسان است. انسانی که گویی آمده تا در مقابل چرخه‌ی طبیعت ایستادگی کرده و نظم‌ش را برهم بزند و با خودخواهی و حرص، نداشته‌هایش را جبران کند. اوج این خودخواهی و حرص‌زدن بیهوده را نیز می‌توان در نقطه‌عطف دوم جست‌وجو کرد. جایی که زوج اصلی مانع وصال آدا به پدرش شده و قبل از سر رسیدن وی، فرزند را می‌گیرند و در ادامه مادر را هم به قتل می‌رسانند. حادثه‌ای که نشان می‌دهد خود انسان و خلق‌و‌خوی درنده و وحشی‌اش می‌تواند از هر عامل دیگری ترسناک‌تر ظاهر شده و با اعمالی غیرقابل پیش‌بینی و طبیعتاً غیرانسانی، جلوه‌ی متفاوتی از خود را به عرصه‌ی نمایش بگذارد. در این بخش، انسان در موضع قدرت و برتری بوده و گویی طبیعت را به کاملاً در کنترل و احاطه‌ی خویش قرار داده است. بهره‌گیری از زاویه‌ی لو‌انگل در نمای دفن کردن گوسفند مادر نیز در همین راستا تعبیه شده است.

بزه اگرچه در تلاش است تا نیمه‌ی ابتدایی جذاب و پرکشش خود را بسط و گسترش دهد اما به‌شکلی عجیب و دور از انتظار از این مهم باز مانده و وقت‌تلف‌کن ظاهر می‌گردد! بواقع، وجود این مخلوق جدید می‌توانست بهانه‌ای باشد برای خلق روابط دو یا سه نفره‌ی جذاب میان او و زوج اصلی اثر. فیلم‌ساز اگرچه سعی دارد تا وجود تغییر و ورود شور و نشاط به زیست این خانواده را تصویرسازی کند: همچون بحث رنگ‌زدن خانه، وجود نماهای دوفرآه زوج اصلی در تخت‌خواب و نماهایی که با فاصله‌ی اندک کنار یکدیگر نشسته‌اند و برخلاف دقایق ابتدایی، می‌توان عشق و محبت

را میان آن‌ها درک کرد، اما با اضافه‌کردن شخیت فرعی بنام «پیتور» از تکمیل‌کردن این ماموریت باز می‌ماند! پیتور به اثر اضافه می‌شود و کدهایی از او و نیت‌های دورنی‌اش می‌فهمیم. اما این نیت‌ها ابتدا به کشمکش جذاب دورنی و بیرونی منجر نشده و صرفاً انتظارهایی را دل مخاطب می‌کارند و به هیچ‌یک نیز پاسخ درخور و قابل‌توجهی نمی‌دهند. پیتور در ظاهر به ماریا چشم دارد. در سکاسی او و آدا را که مشغول حمام‌کردن هستند را دید می‌زند. اما دیگر از این شیطنت خبری نیست و اصلاً تقابل مهمی هم شکل نمی‌گیرد. در گذشته رابطه‌ای داشته‌اند؟ هم‌اکنون حرکتی از ماریا سرزده که پیتور را تحریک کرده است؟ حتی آن بحث خبر داشتن پیتور از قتل مادر آدا هم بدل به عنصری تعلیق‌زا و پرتنش نمی‌شود. چرا که نه تهدید جدی از سمت پیتور مشاهده می‌کنیم و نه ماریا از این قتل به بحران روحی‌روانی خاصی می‌رسد. فیلم‌ساز تنها به یک کابوس چندثانیه‌ای پس از قتل بسنده می‌کند که در آن دیگر گوسفندان را خشمگین و هراسناک در قاب داریم. در ادامه، این کابوس‌ها و تبعات روحی ماریا نیز در اثر حضور ندارند! او قتلی مرتکب شده و یک کابوس می‌بیند و باز هم به زندگی عادی خود ادامه می‌دهد. عامل قتل به‌هیچ‌وجه نگران گناه و تبعاتش نیست و تنها شاهد ماجرا هم از این آگاهی‌اش بهره‌ای نمی‌برد! اصلاً اگر از قتل مطلع نمی‌شد چه تغییری می‌کرد؟ عاملی که می‌توانست در کنار سایه‌ی شوم همان موجود ناشناخته (که ظاهراً پدر آدا هم هست) تعلیق‌زا باشد براحتی کنار زده می‌شود! پیتور حتی در مقطعی می‌تواند برای آدا دردرس ساز شود و چاشنی دلهره و اضطراب را به اثر اضافه کند، اما از این مهم هم خبری نمی‌شود. در سکاسی او و آدا اسلحه بدست به‌سمت دشت‌رفته تا شاید او را به قتل برساند، اما دلش به رحم می‌آید و خطری متوجه آدا نمی‌شود!

فیلم‌ساز می‌توانست بجای اضافه‌نمودن شخصیت پیتور و گنجاندن سکاس‌های مختلف با حضور خنثی و بی‌کارکرد وی، بر روابط میان آدا و زوج اصلی تاکید کند. خود آدا را می‌توانست چکش بزند و مخاطب را با روحيات و خلق و خوی وی آشنا کند. آشکارا دوراهی جذاب انسان یا حیوان می‌توانست در افزایش کیفیت اثر بیفزاید. اینکه هویت و زیست‌آدمی‌بایست مطابق دیگر حیوانات و براساس تعامل با طبیعت باشد یا آن به‌عنوان انسانی‌اش بر حیوانیت‌اش برتری پیدا کنند... تعامل و شناختش از والدین جدید و محیط چگونه خواهد بود و چه کشمکش‌هایی میان آن‌ها رخ خواهد داد و... همان کشمکش‌هایی که مثلاً در اثری بنام

«پیوند»، ساخته‌ی «وینچنزو ناتالی» جواب داد و حسادت‌های زنانه و عشق میان آن موجود ناشناخته و مرد خانواده سطح اثر را بشدت افزایش داد. کشمکش‌های درونی و بیرونی که بشدت فقدان آن‌ها در مورد این اثر احساس می‌شود. فیلم‌ساز به چند مورد محدود اکتفا می‌کند که بدلیل پرداخت ناقص آن اثرگذاری لازم را هم ندارند. به‌عنوان مثال نمایی از آدا را بنیادآورید که پس از رویارویی با پدر واقعی‌اش، به اتافی پناه برده و در آینه به خویش می‌نگرد. گویی به هویتش شک کرده و نمی‌داند این زیست انسانی‌اش را بپذیرد یا همراهی با پدر و حضور در طبیعت را. و یا در سکاس تماشای تلویزیون که آدم بزرگ‌ها به آدای کودک توجه نکرده و او همچون کودک‌کان آدمیزاد، از آن‌ها دلگیر شده و محیط را ترک می‌کند. دلگیری و عدم‌توجهی که به‌حال خود رها شده و باز هم شرایط عادی می‌شود!

بزه خوشبختانه در بحث پایان‌بندی به ضعیفی و کم‌ثوانی بخش میانی‌اش نیست و در سطحی قابل‌قبول ظاهر می‌گردد. پایانی که درواقع قریبۀ نقطه‌عطف دوم فیلم است. اگر آنجا ماریا با به قتل رساندن مادر اصلی آدا، برتری انسان در مقابل طبیعت را به رخ مخاطب کشید و بی‌رحمانه یک نظام طبیعی و بی‌گناه را از بین برد، در انتها این طبیعت است که در موضع قدرت برآمده و انتقام می‌گیرد. قتل اینگوار توسط پدر آدا (مخلوقی دهشتناک و عظیم‌الجثه که بی‌شبهات به باقومت از نشانه‌های شیطان‌پرستی و حاضر در فرقه‌ی کابالا هم نیست) و پس‌گرفتن آدا (که باز هم بدرستی از زاویه‌ی لو‌انگل بهره برده تا بدانیم پیروز این جدال کیست) و زنده ماندن ماریا و گذران عمر در تنهایی و با عذاب وجدان همان فرجام تلخی است که ماریا با آن مواجه می‌شود.

ماریا در نمای مدیوم‌شات پایانی در مرکز قاب قرار گرفته و در پس‌زمینه هم کوهستان عظیم و مه‌آلود را داریم و همچنین شاهد نگاه خیره و بهت‌زده‌اش به‌سمت لنز دوربین هستیم. میزانشنی که خبر از تنهایی، سرگشتگی و استیصال‌ی ابدی برای وی داده که مستحق دریافت آن هم هست. انسانی که درنظر داشت تا با برهم‌زدن چرخه‌ی طبیعت و ریختن خون بی‌گناه و تصاحب ظالمانه‌ی فرزندی که طبیعتاً متعلق به او نبود، خوشبختی و سعادت را فراهم کرده و روابط سرد و ازدست‌رفته خانوادگی‌اش را بازپس‌گیرد، حال بازنده‌ی ماجراست و عملاً هیچ خانواده‌ای هم در کار نیست! پدر آدا می‌آید، اینگوار را به قتل می‌رساند و فرزندش را هم با خود به ناکجا می‌برد تا بدانیم در جدال با طبیعت بازنده‌ایم...



آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی - کرج (نوبت دوم)

برابر رای شماره ۱۳۱۰/۵۷۰۰۳۳۱۰/۱۴۰۶ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرج - ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای رحمان رحیمی فرزند صورتعلی بشماره شناسنامه ۳۱۸ صادره از میانه در یک قطعه زمین با بنای احدائی به مساحت ۲۵۰ مترمربع از پلاک ۱۱۳۷ فرعی از ۳۶۱ اصلی واقع در جعفرآباد بلوار دهقان سر خیابان ولایت ۴ خریداری از مالک رسمی آقای محمدعلی بذرافشان محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۹۵۴۳۴۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹ تیرماه ۱۴۰۴

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای امیر محمد جان برابر وکالتنامه شماره ۲۷۶۶۳ مورخه ۲۰ خرداد ۱۴۰۴ دفتر ۱۵۸ کرج از طرف داود چگنی ضمن تسلیم دو برگ استشهادیه تصدیق شده اعلام نموده است که سند مالکیت تک برگی ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۱۵۴/۳۸ مترمربع قطعه ۷ تفکیکی به شماره ۳۰۳۸ فرعی از ۱۶۸ اصلی مفروز از پلاک ۱۲۴۱ فرعی از اصلی مذکور واقع در اراضی حوزه ثبتی شهرستان کرج که سند به شماره چاپی ۳۴۰۲۳۰ سری الف سال ۰۰ بشماره الکترونیک ۱۱۰۲۶۳۲۷/۱۱۰۳۳۱۰/۱۴۰۴ صادر شده است که مفقود گردیده فلذا مالک تقاضای صدور سند مالکیت المثنی را از این اداره نموده است. لذا مراتب به استناد تبصره یک اصلاحی به ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی میشود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود و یا انجام معامله نسبت به ملک مذکور باشد از تاریخ انتشار این آگهی به مدت ده روز اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت به این اداره تسلیم تا وفق مقررات عمل گردد بدیهی است چنانچه ظرف مدت مقرر اعتراضی واصل نشود و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نگردد سند مالکیت المثنی طبق مقررات به متقاضی تسلیم خواهد شد. ۱۹۶۷۱۵۰

اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای سید مصطفی دریاباری به شماره ملی ۰۰۴۲۶۳۷۴۰ ضمن تسلیم دو برگ استشهادیه تصدیق شده اعلام نموده است که سند مالکیت سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی به مساحت ۱۰۰۰ متر دفتر ۱۲۷۵ صفحه ۳۰۵ فرعی ۱۱۹۷ از ۱۷۲ اصلی بنام متقاضی ثبت تسلیم شد که سند مالکیت بعلت سهل انگاری مفقود گردیده است لذا مالک تقاضای صدور سند مالکیت المثنی را از این اداره نموده است. لذا مراتب به استناد تبصره یک اصلاحی به ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی میشود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود و یا انجام معامله نسبت به ملک مذکور باشد از تاریخ انتشار این آگهی به مدت ده روز اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت به این اداره تسلیم تا وفق مقررات عمل گردد بدیهی است چنانچه ظرف مدت مقرر اعتراضی واصل نشود و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نگردد سند مالکیت المثنی طبق مقررات به متقاضی تسلیم خواهد شد. ۱۹۶۷۰۹۱

اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج

آگهی فقدان سند مالکیت

خانم مژگان رضائی ایلخچی ضمن تسلیم دو برگ استشهادیه تصدیق شده اعلام نموده است که سند مالکیت تک برگی سه دانگ مشاع از ششدانگ یک باب واحد تجاری به مساحت ۲۷.۴۴ مترمربع قطعه ۳۵ تفکیکی به شماره ۵۸۰۵۳ فرعی از ۱۷۰ اصلی مفروز از پلاک ۴۶۶۶ فرعی از اصلی مذکور واقع در اراضی حوزه ثبتی شهرستان کرج که سند به شماره چاپی ۲۰۸۱۰ سری ب سال ۰۰ بشماره الکترونیک ۱۱۰۹۷۳۶/۱۱۰۳۳۱۰/۱۳۹۶۲۰ صادر شده است که مفقود گردیده فلذا مالک تقاضای صدور سند مالکیت المثنی را از این اداره نموده است. لذا مراتب به استناد تبصره یک اصلاحی به ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی میشود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود و یا انجام معامله نسبت به ملک مذکور باشد از تاریخ انتشار این آگهی به مدت ده روز اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت به این اداره تسلیم تا وفق مقررات عمل گردد بدیهی است چنانچه ظرف مدت مقرر اعتراضی واصل نشود و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نگردد سند مالکیت المثنی طبق مقررات به متقاضی تسلیم خواهد شد. ۱۹۶۷۵۰۴

اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج

آگهی فقدان سند مالکیت

خانم مژگان رضائی ایلخچی ضمن تسلیم دو برگ استشهادیه تصدیق شده اعلام نموده است که سند مالکیت تک برگی سه دانگ مشاع از ششدانگ یکدستگاه آپارتمان به مساحت ۲۴۷/۲۶ مترمربع قطعه ۱ تفکیکی به شماره ۶۵۴۳۹ فرعی از ۱۷۰ اصلی مفروز از پلاک ۲۴۲۴ فرعی از اصلی مذکور واقع در اراضی حوزه ثبتی شهرستان کرج که سند به شماره چاپی ۲۹۸۲۸۳ سری ج سال ۹۸ بشماره الکترونیک ۱۱۰۸۴۲۵/۱۱۰۳۳۱۰/۱۳۹۹۲۰ صادر شده است که مفقود گردیده فلذا مالک تقاضای صدور سند مالکیت المثنی را از این اداره نموده است. لذا مراتب به استناد تبصره یک اصلاحی به ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی میشود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود و یا انجام معامله نسبت به ملک مذکور باشد از تاریخ انتشار این آگهی به مدت ده روز اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت به این اداره تسلیم تا وفق مقررات عمل گردد بدیهی است چنانچه ظرف مدت مقرر اعتراضی واصل نشود و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نگردد سند مالکیت المثنی طبق مقررات به متقاضی تسلیم خواهد شد. ۱۹۶۷۵۲۸

اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج

آگهی ابلاغ صورتمجلس عدم قابلیت افراز پلاک ۹۶۹۷ فرعی از ۱۵۵ اصلی

برابر محتویات سند مالکیت یک قطعه زمین با بنای احدائی نوع ملک طلق با کاربری فاقد کاربری به پلاک ثبتی ۹۶۹۷ فرعی از ۱۵۵ اصلی، مفروز و مجزا شده از ۴۶۸ فرعی از اصلی مذکور واقع در حوزه ثبت ناحیه یک کرج استان البرز به مساحت (۱۴۹) یکصد و چهل و نه مترمربع مشخصات مالکیت: سیدحسین حسینی فرزند سیدمحمد شماره شناسنامه ۴۵۹۲ تاریخ تولد ۱۳۵۵/۰۵/۲۳ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۰۶۵۱۳۳۸۷۰ با جز سهم ۲ از کل سهم ۹ بعنوان مالک دو سهم مشاع از نه سهم عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۱۴۰۲۰۱۳۹۰۰۰۳۹۰۵۱۵۳ تاریخ ۱۴۰۲/۰۷/۲۴ موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۵۹۴۶۷ سری ج سال ۰۲ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۴۰۳۲۰۳۳۱۰۰۹۰۱۳۱۰۰ ثبت گردیده است. مالکیت کاوس بیات فرزند مرادعلی شماره شناسنامه ۱۰۶۹ تاریخ تولد ۱۳۵۷/۰۹/۱۵ صادره از لقلل رود دارای شماره ملی ۵۸۴۹۵۰۸۵۰۳ با جز سهم ۲ از کل سهم ۹ بعنوان مالک دو سهم مشاع از نه سهم عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۶۹۷۳۱ تاریخ ۱۴۰۳/۰۸/۰۶ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۵۸ شهر کرج استان البرز، موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۸۶۲۴۴۴ سری ج سال ۰۲ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۴۰۳۲۰۳۳۱۰۰۹۰۲۰۴۸۰ ثبت گردیده است. مالکیت سیدمحسن حسینی فرزند سیدمحمد شماره شناسنامه ۳۹ تاریخ تولد ۱۳۵۴/۰۱/۰۱ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۰۷۱۲۳۳۶۸۷ با جز سهم ۲ از کل سهم ۹ بعنوان مالک دو سهم مشاع از نه سهم عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۱۴۰۲۰۱۳۹۰۰۰۳۹۰۵۱۵۳ تاریخ ۱۴۰۲/۰۷/۲۴ موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۵۹۴۷۱ سری ج سال ۰۲ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۴۰۳۲۰۳۳۱۰۰۹۰۱۳۱۰۴ ثبت گردیده است. مالکیت معصومه حسینی فرزند سیدمحمد شماره شناسنامه ۱۴۶۴ تاریخ تولد ۱۳۴۶/۰۱/۰۲ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۰۵۳۰۷۴۷۰۱ با جز سهم ۱ از کل سهم ۹ بعنوان مالک یک سهم مشاع از نه سهم عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۱۴۰۲۰۱۳۹۰۰۰۳۹۰۵۱۵۳ تاریخ ۱۴۰۲/۰۷/۲۴ موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۵۹۴۷۰ سری ج سال ۰۲ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۴۰۳۲۰۳۳۱۰۰۹۰۱۳۱۰۳ ثبت گردیده است. مالکیت سیدعلی حسینی فرزند سیدمحمد شماره شناسنامه ۸۵۶۲ تاریخ تولد ۱۳۴۹/۱۱/۱۷ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۰۵۵۴۹۷۹۰۱ با جز سهم ۲ از کل سهم ۹ بعنوان مالک دو سهم مشاع از نه سهم عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۱۴۰۲۰۱۳۹۰۰۰۳۹۰۵۱۵۳ تاریخ ۱۴۰۲/۰۷/۲۴ موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۵۹۴۶۹ سری ج سال ۰۲ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۴۰۳۲۰۳۳۱۰۰۹۰۱۳۱۰۲ ثبت گردیده است. سپس ذیل تقاضای شماره ۱۴۰۳۲۱۷۳۱۰۰۹۰۵۱۲۲۳ مورخ ۱۴۰۳/۰۱/۰۱ آقای امیر فلاح بعنوان وکیل مالکین مشاعی پلاک ۹۶۹۷ فرعی از ۱۵۵ به استناد قانون افراز و فروش املاک مشاع درخواست افراز سهمی خود را به طرفیت دیگر مالک مشاعی از این اداره نموده است که انجام آن برابر مقررات به نمایندگی ثبت محول گردید که مطابق ماده دو آئین نامه قانون افراز و فروش املاک مشاع نماینده ثبت گواهی نموده است که جریان ثبتی ملک خاتمه یافته و ثبت دفتر املاک شده و سند مالکیت معارض ثبت و صادر نگردیده لذا با عنایت به نامه شماره ۱۴۰۳۸۵۶۳۱۰۰۹۰۲۰۱۵۲ مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۱۳ موضوع افراز پلاک فوق به اطلاع شهرداری مرکزی کرج رسانیده شد و به موجب نامه شماره ۱۴۰۳۸۵۶۲۸۹۳ مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۱۶ معاونت شهرسازی و معماری شهرداری کرج با افراز پلاک ۱۵۵/۹۶۹۷ بعلت مغایرت با ضوابط شهرسازی مخالفت نموده و پلاک فوق را غیرقابل افراز اعلام نمود که در این رابطه صورتجلسه عدم قابلیت افراز بشماره ۱۴۰۴۸۵۶۳۱۰۰۹۰۱۱۳۵ تهیه و تنظیم و مراتب دو بار از طریق شعبه اجرا جهت ابلاغ به خواندگان ارسال شده که برابر نامه های شماره ۱۴۰۴۰۵۸۳۱۰۰۱۱۵۸ مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۰۶ مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۰۶ و ۱۴۰۴/۰۵/۱۵۴۶ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۰۱ اداره اجرا ابلاغ واقعی میسر نگردید فلذا با توجه به مراتب فوق و مستنداً به ماده ۱۸ آئین نامه اجرای اسناد رسمی لازم الاجرا مراتب جهت ابلاغ و نشر یک نوبت آگهی از طریق روزنامه های کثیر الانتشار منتشر تا پس از گذشت ده روز از نشر آگهی مذکور چنانچه مالکین اعتراضی به آگهی مذکور دارند مراتب را به این اداره اعلام در غیر اینصورت این اداره به وظائف قانونی خود عمل مینماید. (توضیح اینکه برابر نامه شماره ۱۴۰۴۰۴۰۳۱۰۰۵۱۰۰۰۴۳۳ مورخه ۱۸ خردادماه ۱۴۰۴ اداره اجرای اسناد ذمه کرج مالکیت کاوس بیات ۲ سهم مشاع از ۹ سهم ششدانگ بازداشت است). ۱۹۶۷۰۱۳

اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک کرج



نشست فنی پارادوومیدانی با حضور مسئولان فدراسیون جابازان، نایبانیان و کمیته ملی پارالمپیک به میزبانی این کمیته برگزار شد. نشست شورای فنی پارادوومیدانی به میزبانی کمیته ملی پارالمپیک صبح امروز برگزار شد. در این نشست، سعید سلگی معاون ورزش قهرمانی کمیته ملی پارالمپیک، علی اصغر هادی زاده نماینده فدراسیون ورزشهای جانبازان و توان یابان، مصطفی بهرامی نماینده فدراسیون نایبانیان و کم بینانیان و الهه شیعه عضو کارگروه پارادوومیدانی حضور داشتند. در این نشست پیرامون برنامه راهبردی رشته پارادوومیدانی، برنامه های عملیاتی، و راه کارهای توسعه این رشته بحث و تبادل نظر شد. از دیگر موارد مطرحه می توان به نحوه حمایت کمیته از ورزشکاران پارادوومیدانی برای بازی های پاراسیایی آسی-ناگایا ۲۰۲۶ و بازی های پارالمپیک لس آنجلس ۲۰۲۸ و نیز روند حمایتی از این رشته اشاره کرد.

نصف جهان

برای رقابت های جهانی گرجستان؛

چهار شمشیر باز اصفهانی در ترکیب تیم ملی ایران قرار گرفتند

اصغر قلندری



شایان ذکر است که شمشیربازی در اصفهان پیشینه ای پرافتخار دارد. از دهه ۱۳۷۰، شمشیربازانی همچون جواد، فرهاد و محمد رضایی، متین لطفی، روح الله پوردانا و محمد قهوه چیان از چهره های شاخص این رشته بودند که بارها به اردوی تیم ملی دعوت شدند.

به ویژه محمد رضایی، ملی پوش برجسته اصفهانی، در زمستان سال ۱۳۷۷ به تیم ملی پیوست و در فروردین ۱۳۷۸ در مسابقات جهانی جوانان و نوجوانان در بوداپست مجارستان، عملکردی درخشان از خود به جای گذاشت و یکی از افتخار آفرینان شمشیربازی ایران شد.

دختران و پسران شمشیرباز اصفهانی از دیرباز در این رشته شناخته شده بوده اند و بارها به ترکیب تیم ملی راه یافته اند. در این میان، برادران رضایی نقش مؤثری در کسب مدال های رنگارنگ برای ایران داشته اند.

در آستانه فرا رسیدن عید نوروز و حلول سال ۱۳۷۸، شمشیربازان اصفهانی در دهمین دوره مسابقات بین المللی شمشیربازی، که به مناسبت یوم الله دهه فجر و بیستمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی برگزار شد، حضوری موفق و افتخار آفرین داشتند.

این رقابت ها با حضور تیم هایی از کشورهای تازه استقلال یافته از جمله جمهوری آذربایجان، گرجستان، ارمنستان، ترکمنستان و همچنین استان های مختلف کشور از جمله مازندران، آذربایجان شرقی، خراسان، تهران، کرمانشاه، خوزستان و توابع تهران، به میزبانی شهر یزد (شهر بادگیرها) برگزار شد. مسابقات در سه اسلحه ایه، فلوره و سابر پیگیری شد و از اهمیت ویژه ای برخوردار بود.

در این رقابت ها، جواد رضایی از اصفهان در اسلحه فلوره با وجود رقابت شدید شمشیربازان زنده آذربایجان شرقی و جمهوری ارمنستان، به مقام



قهرمانی دست یافت. همچنین محمد رضایی جوان در اسلحه ایه عنوان نایب قهرمانی را از آن خود کرد. در نتیجه، در رده بندی تیمی، تیم های ارمنستان، اصفهان و یزد به ترتیب مقام های اول تا سوم را کسب کردند.

ترکیب تیم شمشیربازی اصفهان در اسلحه ایه شامل محمد رضایی، رسول پوردانا، یوسف علاقه مند و متین لطفی بود. در اسلحه فلوره نیز جواد رضایی، محمد قهوه چیان، امیر شبکه ساز و رضا قاضی عسگری به میدان رفتند؛ چهره هایی که از پایه گذاران رشد و توسعه شمشیربازی در اصفهان به شمار می آیند.

علی اسلامی به عنوان مربی و فرهاد رضایی به عنوان سرپرست، نقش بسزایی در هدایت و رشد این تیم در آن دوره از مسابقات ایفا کردند.



انتقاد از جام جهانی باشگاه ها: «فیفا برای درآمد بیشتر سلامت بازیکنان را به خطر می اندازد»

فیفا این ادعاها را رد کرده است و اینفانتینو در آخر هفته این تونزمنت را «موفق ترین رقابت باشگاهی در جهان» نامید و افزود: «دوران طلایی فوتبال باشگاهی جهانی آغاز شده است».

اما تنش ها اکنون تشدید شده است، و رئیس اتحادیه جهانی بازیکنان، اصرار دارد که اگرچه جام باشگاه های جهان «شور و شوق را در بین هواداران بی شماری ایجاد کرده و به برخی از چهره های برجسته فوتبال جهان اجازه داده است تا در یک تورنمنت واحد دیده شوند اما این رقابت، یک گسست خطرناک از واقعیت که اکثر فوتبال لیست ها در سراسر جهان با آن مواجه هستند را پنهان می کند».

مارچی افزود: «آنچه به عنوان جشن جهانی فوتبال ارائه شد، چیزی بیش از یک داستان تخیلی ساخته فیفا نبود که توسط رئیس آن تبلیغ می شد، بدون گفت و گو، حساسیت و احترام به کسانی که با تلاش های روزانه خود این بازی را حفظ می کنند».

اینفانتینو و فیفا کرده است. منتقدان می گویند برگزاری این مسابقات که قرار است هر ۴ سال برگزار شود با توجه به فشرده مسابقات باشگاهی و ملی در طول فصل به سلامت بازیکنان ضربه می زند.

در این راستا سرگیو مارچی رئیس اتحادیه جهانی بازیکنان در بیانیه ای تند، جیبانی اینفانتینو، رئیس این نهاد حاکم بر جهان را با نرون، امپراتور روم، مقایسه کرد. او همچنین ادعا کرد که فیفا «تصمیم گرفته است که به افزایش درآمد خود به قیمت به خطر افتادن سلامتی بازیکنان بازیکنان ادامه دهد».

سال گذشته، در بحبوحه واکنش ها به گسترش جام باشگاه های جهان و برگزاری جام جهانی باشگاه ها با حضور ۳۲ تیم، اتحادیه جهانی بازیکنان (Fifpro) شکایتی قانونی علیه فیفا مطرح کرد و مدعی شد که فیفا با اعمال فشار بیشتر بر برنامه مسابقات، از نقش خود تحت قانون رقابت های اروپایی سوء استفاده کرده است.



رئیس اتحادیه جهانی بازیکنان با انتقاد از برگزاری جام جهانی باشگاه ها با مقایسه رفتار رئیس فیفا با حاکم ظالم رم باستان، اشاره کرد که فدراسیون بین المللی فوتبال برای سودآوری بیشتر اقتصادی، سلامت بازیکنان را به خطر می اندازد. جام جهانی باشگاه ها دیشب پس از برگزاری ۶۳ مسابقه و با قهرمانی پلسی به پایان رسید. برگزاری اولین دوره جام جهانی باشگاه ها با حضور ۳۲ تیم، انتقادهای زیادی را متوجه جیبانی

تلنگری به فدراسیون فوتبال؛

حواستان به قراردادهای ۱۰۰ میلیاردری باشد

سعید احمدیان

اهمال و عدم حساسیت فدراسیون فوتبال در هفته های اخیر سبب شده مدیران باشگاه های متمول ابایی از پرداخت های نجومی و بدون ضابطه با افزایش چندبرابری به بازیکنان نداشته باشند.

با ادامه نقل و انتقالات تابستانی و در فاصله ۳۵ روز تا آغاز فصل جدید لیگ برتر فوتبال خبرهای داغ تری از جابجایی یا تمدید قرارداد بازیکنان تیم های مختلف به گوش می رسد. به نظر می رسد پس از تعطیلی نزدیک به ۲ هفته ای تمرینات و اردوهای باشگاه ها به دلیل شرایط کشور که منجر به تاخیر در آغاز فصل جدید شد، کم کم فضای فوتبال ایران در حال شکل گیری برای فصل آینده است و شمارش معکوس برای سوت شروع بیست و پنجمین دوره لیگ برتر آغاز شده است. مانند تمامی فصل های نقل و انتقالات، امسال هم رقم های نجومی قراردادهای یکی از حواشی پرنرگ است که واکنش ها و البته نقدهای زیادی را به همراه داشته است. پیش از ۲۳ خرداد و در روزهایی که چند هفته از آغاز فصل نقل و انتقالات لیگ برتر می گذشت، مطرح شدن رقم های ۱۰۰ میلیاردری و حتی بیشتر برای برخی بازیکنان سبب شد با اعتراض های گسترده ای که نسبت به پرداخت های نجومی تیم هایی که وابسته به پول های بانکی، پتروشیمی و صنعتی هستند، فدراسیون فوتبال به این ماجرا ورود کند و عنوان شود که با افزایش نظارت ها نسبت به رقم هایی که رد و بدل می شود، اجازه نخواهند داد که قراردادهای بدون ضابطه و به صورت نجومی افزایش پیدا کند.

در این راستا حتی اهالی فوتبال از نهادهای نظارتی خواستند تا با ورود به قراردادهای فوتبال اجازه پرداخت های بدون ضابطه را ندهند و قراردادهای تحت نظارت و کنترل دقیق قرار بگیرد. در این شرایط با توجه به بالا گرفتن حساسیت ها نسبت به پرداخت های غیرمعتارف باعث شد تا امیدواری نسبت به جلوگیری از ریخت و پاش تیم های متمول که وابسته به دستگاه های پولدار هستند، افزایش پیدا کند.

با این حال در ادامه جنگ ۱۲ روزه و حملات تجاوزکارانه رژیم صهیونیستی به کشورمان سبب شد تا فوتبال تعطیل شود. پس از شروع دوباره تمرینات پیش فصل تیم های لیگ برتری برای فصل آینده که قرار است از ۲۸ مرداد سوت شروع آن زده شود، به نظر می رسد حساسیت ها برای قراردادهای نامتعارف و نجومی برخی باشگاه ها، کمتر از همیشه شده و خبری از نظارت نهادهای نظارتی نیست، به طوری که فضای نقل و انتقالات باشگاهی برخلاف پیش از جنگ ۱۲ روزه، رها شده است و باشگاه های متمول و وابسته به پول های بانکی، پتروشیمی و فولاد در حال جولان در فصل نقل و انتقالات آن هم با پرداخت رقم های کذایی و غیرقابل باور هستند.

در حالی فدراسیون فوتبال برای تمدید قراردادها، تنها افزایش ۳۰ درصدی را مجاز اعلام کرده است که بر اساس خبرهای غیررسمی از باشگاه های متمول لیگ برتری، گفته می شود که رقم قرارداد برخی بازیکنان نسبت به فصل قبل حتی بیش از ۲ برابر افزایش پیدا کرده است. نکته قابل تامل اینکه دیگر خبری از رعایت سقف بودجه و قوانین یک بار مصرف فدراسیون فوتبال برای کنترل رقم قراردادهای نیست و نقل و انتقالات فوتبال ایران دچار یک ولنگاری مالی شدید شده است.

در چنین شرایطی ضروری است که حساسیت ها و نظارت ها روی باشگاه ها در فصل نقل و انتقالات بیشتر شود و با رصدهای دقیقی که صورت می گیرد اجازه داده نشود مدیران باشگاه های متمول، پول های بانکی، پتروشیمی و صنعتی را بدون اینکه هیچ گونه ضابطه ای وجود داشته باشد، به بازیکنانی پرداخت کنند که ارزش یک سوم آن مبلغ را نیز ندارند. از فدراسیون فوتبال و نهادهای نظارتی مانند مجلس، سازمان بازرسی و قوه قضائیه انتظار می رود ترمز ولنگاری و ریخت و پاش مدیران از بودجه کشور را در باشگاه های متمول بگیرند و با مسئولان متخلف برخورد کنند تا فوتبال بیشتر از این تبدیل به جولانگاه سوء استفاده کنندگان از بیت المال تبدیل نشود.



■ سردبیر: مهدی تیموری

■ صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهرداد تیموری

■ صفحه آرا: امیر بیات

■ مدیر روابط عمومی: مهسا تیموری

■ تحریریه: دکتر مهرداد فرشیدی، مجید سعیدی، اصغر قلندری، محمدرضا کاظمی، سیدرضا فیض آبادی، حسن صانعی پور و سارا نصرتی

■ چاپ: کهن

■ شماره: ۳۴۴۹۹۲۵۵

■ تلفن: ۶

■ واحد: ۱

■ طبقه: ۲

■ پلاک: ۱

■ کوچه: میثم

■ بلوار: جمهوری شمالی

■ کرج

■ نشانی: کرج - بلوار جمهوری شمالی - کوچه میثم - پلاک ۱ - طبقه ۲ - واحد ۶



www.donyayehavadar.ir

دنیای هوادار

سه شنبه ۲۴ تیر ۱۴۰۴
شمارگان ۱۸۵۲

«دنیای هوادار» یاد روح قلم و مرام زنده یادان ناصر احمدپور و عباس عبدالملکی، بزرگان عرصه مطبوعات ورزشی کشور را پاس می دارد



بیکرانیت مکتوم!

شهید امیررضا اقدسی در حمله وحشیانه رژیم صهیونیستی
به مدرسه شهرک شهید چمران به شهادت رسید

*Today the zionist regime's power of
deterrence has come to an end!*